



دکتر سہیلا باشندہ

دکترای زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کراچی

دکتر محمد نذیر

استاد یار زبان و ادبیات فارسی، دانشگاه کراچی

فتح نامہ عظیم الدین تتوی: یک مستند مهم تاریخی و ادبی سند

Dr. Sohaila Bashindah *

Ph.D. University of Karachi.

Dr. Muhammad Nazir

Department of Persian, University of Karachi.

*Corresponding Author: nazirbespa@uok.edu.pk

Fathnameh of Azimuddin Thattavi: A Significant Historical and Literary Document of Sindh

For centuries, the Sindh region has utilized Persian as its primary language for scholarship, literature, history, and administration. Many writers and poets from Sindh have created influential works in various fields such as science, arts, culture, literature, history, and mysticism. Among these works, "Fathnameh" a Mathnawi by the esteemed poet Seyyed Azimuddin Thattavi, is particularly noteworthy. As the court poet of Mir Fath Ali Khan Talpur, Thattavi documents the conflicts, battles, and events during the Kalhora and Talpur dynasties' rule in Sindh. His first-hand accounts provide a detailed and valuable perspective, enhancing the historical and literary significance of the work. Additionally, Thattavi's poetic style closely follows the traditions of Ferdowsi's Shahnameh, adding further importance to his writing. This article introduces the book and its author, highlights its historical significance, and explores the political and historical context of Sindh. Our goal is to contribute to the preservation and promotion of Sindh's cultural, literary, and historical heritage.

Key Words: *History of Sindh, Azimuddin Thattavi, Fathnameh, Persian Literature, Talpur Dynasty, Ferdowsi's Shahnameh.*

چکیده

زبان فارسی قرن‌ها به عنوان زبان علمی، ادبی، تاریخی و دیوانی سرزمین سند بوده است. نویسندگان و شاعران این سرزمین آثار زیادی در خصوص علوم و فنون و فرهنگ و ادب و تاریخ و عرفان به زبان فارسی به یادگار گذاشته اند. فتح نامه یکی از آثار ارزشمند به زبان فارسی است که توسط یکی از شاعران معروف این منطقه سید عظیم الدین تتوی ملک - الشعرا دربار میر فتح علی خان تالپور در قالب مثنوی سروده شده است. این کتاب در مورد کشمکش‌ها، جنگ‌ها و رویدادهای دوران حکومتی کلهورا و تالپوران اختصاص دارد. چون نویسنده کتاب خودش شاهد عینی جریان‌های تاریخی این دوره بوده و بر اساس تجربیات و مشاهدات خودش این وقایع تاریخی زمان خودش را مفصل بیان کرده، لذا به دلیل همین مستندات تاریخی و همچنین پیروی از شاهنامه فردوسی از نظر سبک ادبی و زبانی این اثر شعری عظیم الدین تتوی اهمیت تاریخی و ادبی بسیار زیادی دارد. چنان که ما در این مقاله برای شناسایی بیشتر این اثر ابتدا کتاب و نویسنده آن را معرفی کرده ایم و سپس با اشاره به ارزش تاریخی آن مطالب مربوط به وقایع و اوضاع سیاسی و تاریخی سند را بررسی کرده ایم تا برای حفظ و گسترش این میراث فرهنگی و ادبی و تاریخی سند و زبان فارسی گامی برداشته باشیم.

کلید واژه: تاریخ سند، عظیم الدین تتوی، فتح نامه، ادبیات فارسی، تالپوران، شاهنامه فردوسی

مقدمه:

سرزمین سند کنونی که یکی از ایالت‌های مهم پاکستان است و در گذشته تاریخ و زبان و فرهنگ جداگانه‌ای داشته است. قبل از استقلال پاکستان بیشتر سلسله حکومت‌های این منطقه زبان فارسی را به عنوان زبان علمی، ادبی، تاریخی و دیوانی به رسمیت می‌شناختند و به همین خاطر در این منطقه آثار زیادی در مورد موضوعات مختلف به زبان فارسی نوشته شده است که از نظر زبانی، ادبی، فرهنگی و تاریخی اهمیت بیشتری دارند. یکی از همین آثار «فتح نامه» است که توسط عظیم الدین تتوی در قالب مثنوی و به تقلید از شاهنامه سروده شده است. عظیم الدین تتوی در دستگاه حکومتی تالپوران سند جایگاه والایی داشت و خودش نیز شاهد عینی

وقایع مهم این دوره بوده است. عمومی بزرگ عظیم تتوی یعنی علی شیر قانع تتوی نیز یکی از تاریخ نویسان معروف سند بود که چندین کتاب تاریخی و تذکره شعرا را به سلک تحریر در آورده بود؛ چنان که فضای علمی و ادبی چنین خانواده ای، تربیت و مهارت لازم برای وقایع نگاری و تاریخ نویسی را برای عظیم فراهم کرده بود. همیشه و در هر زمانی اوضاع و احوال و شرایط اجتماعی بر افکار و اندیشه‌های هر انسانی تاثیر می‌گذارد. عظیم در این اثر ادبی و تاریخی خود وقایع و رویدادهای زمانش مانند از کار افتادن حکومت کلهورا در زمان سرفراز خان کلهورا، به قدرت رسیدن تالپوران، جنگ و کشمکش‌های سیاسی بین خانواده‌های کلهورا و تالپوران، توطئه‌های درباری، روش کشورداری و حکمرانی تالپوران و غیره را مفصل و به عنوان شاهد عینی به رشته تحریر در آورده است. علاوه بر آن قطعات تاریخی متعددی نیز به مناسبت‌های گوناگون و رویدادهای مهم دوران تالپوران سروده است.

این نکته بسیار حائز توجه است که منابع اصلی تاریخ سند به زبان فارسی نوشته شده ولی بنا بر بی توجهی به زبان فارسی و عدم آشنایی پژوهشگران محلی با زبان فارسی بیشتر از منابع ثانوی به زبان‌های انگلیسی و اردو استفاده می‌کنند و منابع اصلی فارسی کم کم زیر گرد فراموشی از بین می‌روند. کتاب «فتح نامه» اثر عظیم الدین تتوی نیز اگر چه یکی از مراجع مهم تاریخی سند محسوب می‌شود ولی به بررسی محتویات و تدوین وقایع تاریخی این کتاب پرداخته نشده است، در حالی با شناسایی این اثر و آثار مهم دیگر فارسی می‌توانیم تاریخ و فرهنگ این منطقه را بهتر نشان بدهیم. با توجه به همین مشکلات و انجام نشدن پژوهش‌های لازم در این زمینه در صدد آن شدیم که با روشن سازی اهمیت تاریخی این کتاب فشرده ای از وقایع مهم آن را ارایه بدهیم تا روزنه ای جدید در تاریخ سند باز شود.

پیشینه پژوهش:

در مورد عظیم الدین تتوی و آثارش جامع ترین و مفصل ترین پژوهش را نویسنده اول این مقاله در صورت پایان نامه دکترای خود انجام داده است^۱ که نویسنده دوم این مقاله راهنمایی و نظارت آن را به عهده داشته است. این پایان نامه اگرچه مفصل است که ولی در آن بیشتر به

جنبه های ادبی، زبانی و به طور کلی به محتوای تمام آثارش از جمله «مثنوی فتح نامه» پرداخته شده است و بعد تاریخی آن هنوز به بررسی دقیق و پژوهش های ویژه نیاز دارد. لازم به ذکر است که مثنوی «فتح نامه» با تصحیح و مقدمه شیر مجد نظامانی توسط سندی ادبی بورد به چاپ رسیده است ولی آنچه باید و شاید به ابعاد مختلف این اثر پرداخته نشده و متن آن هم خالی از اشتباهات نیست. دکتر سهیلا باشنده (مقاله نگار اول) فشرده ای از این پایان نامه را با عنوان «بررسی زندگی نامه و معرفی آثار فارسی عظیم الدین تتوی» در مجله دانش چاپ کرده است.^۲ علاوه بر آن در یکی دو مقاله که در خصوص بررسی استقبال شاعران سند از فردوسی نوشته شده، ضمناً به «فتح نامه» عظیم تتوی هم اشاره شده است؛ مثلاً مقالات پیر حسام الدین راشدی^۳ و احمد تمیم داری^۴ در این زمینه قابل ذکر هستند، البته دکتر فلیحه کاظمی در یک مقاله خود به تقابل «فتح نامه» و شاهنامه فردوسی پرداخته است^۵ و بیشتر از نظر سبک و مضمون این دو اثر را باهم مقایسه کرده است.

علاوه بر این بعضی از پژوهشگران مانند مائل تتوی در «کلیات مائل»، مجد ابراهیم خلیل تتوی در «تکمله مقالات الشعرا» و میر حسن الحسینی در «زبدة المعاصرین» و هرامل سدا رنگانی در «پارسی گویان هند و سند» در آثارشان ضمناً به شرح احوال عظیم الدین تتوی و آثارش از جمله «فتح نامه» اشاراتی کرده اند. غیر از موارد مذکور تحقیقات قابل توجه دیگری در این زمینه انجام نگرفته است.

روش پژوهش:

در نگارش این مقاله از روش پژوهشی کتابخانه ای و توصیفی استفاده کرده ایم و با بررسی متن «فتح نامه» و آثار دیگر عظیم الدین تتوی تحلیل و تبیین و نتیجه را انجام داده ایم. ابتدا معرفی کوتاهی از عظیم الدین تتوی و «فتح نامه» را ارائه داده ایم سپس محتوای تاریخی این کتاب را مورد بررسی قرار داده ایم.

معرفی عظیم الدین تتوی:

مجد عظیم الدین تتوی در سال ۱۱۶۲ ق در شهر تته سند به دنیا آمد^۱ و در سال ۱۲۲۹ ق در همان شهر درگذشت.^۷ او از خاندان سادات دشتکی شیرازی بود که از این خاندان یکی به نام سید جمال الدین عطالله بن

فضل الله بن عبدالرحمن محدث دشتکی الحسینی الشیرازی در سال ۸۵۷ ق به همراه عمویش سید اصیل‌الدین بن عبدالرحمن در زمان سلطان ابوسعید گورکانی (۸۵۵-۸۷۳ ق) از شیراز به قندهار سفر کرد و در آنجا به درس و تدریس پرداخت. از این دودمان قاضی شکرالله اول به عنوان تاجر به همراه شاه ارغون در سال ۹۲۶ ق از قندهار به سند آمد و در شهرتته مقیم شد. او در زمان شاه حسن در سال ۹۲۷ ق به منصب قاضی شهر منتخب شد و نوادگان قاضی شکرالله به سادات شکراللهی معروف شدند.^۸ از اولاد خاندان سادات شکراللهی، سید عزت الله (وفات ۱۱۶۱ ق) صاحب شش فرزند شد که معروف ترین آنها علی شیر قانع تتوی بود. عظیم‌الدین تتوی فرزند سید یار مجد بود که پسر کوچک سید عزت الله و برادر قانع تتوی بود. هر کدام از این خانواده در زمان خود شاخص علمی و ادبی بودند.

عظیم‌الدین تتوی معاصر دوره تالپوران سند بود که یکی از شاخه‌های اقوام بلوچ‌های سند هستند و به دلیل دلیری و شجاعت‌شان به دربار کلهورا راه یافتند و توانستند به مقام‌های وزرا و سپه سالاری فائز شوند و سال‌ها با وفاداری به حکمرانان کلهورا خدمت می‌کردند. در زمان سرفراز خان کلهورا از امیران تالپور میر بهرام خان تالپور و میر صوبدار خان تالپور به علت بدگمانی سرفراز خان کشته شدند و این مسئله باعث درگیری خاندان کلهورا و تالپوران شد که به انتقال حکومت از کلهورا به تالپوران منجر گردید. بعد از به پایان رساندن حکومت کلهورا توسط میر فتح علی خان تالپور بنیان سلسله تالپوران نهاده شد. تالپوران بعد از مسند نشینی پایتخت را که در زمان کلهورا خداآباد بود به حیدرآباد انتقال دادند.

میر فتح علی خان تالپور برای ایجاد آرامش و امنیت و بهبود مسایل سیاسی و اقتصادی و برقراری عدالت، حکومت سند را بین برادرانش تقسیم کرد ولی مرکز تمام این نواحی حیدرآباد بود. بعد از وفات او برادرانش میر غلام علی خان و میر کرم علی خان و میر مراد علی خان یکی بعد از دیگری زمام حکومت را در دست گرفتند.

تالپوران نه فقط از لحاظ سیاسی و اقتصادی برای پیشرفت و آبادانی سند تلاش می‌کردند بلکه از لحاظ علمی و فرهنگی هم هیچ‌گونه کم و کسری به جای نمی‌گذاشتند. آنها برای گسترش علوم و فنون ادبی مدارس و کتابخانه‌های زیادی در شهرهای مختلف تاسیس کردند. برای ترغیب

شاعران و ادیبان و ترویج علم و ادب ماهیانه مبلغی برای آنها معین می کردند. امیران تالپور دلداده شعر و شاعری بودند؛ چنان که این دوره از لحاظ شاعری پیشرفت فوق العاده‌ای کرد و کتاب‌ها و آثار زیادی در این زمینه نوشته شد.

عظیم‌الدین تتوی در دربار همین فرمانروای سند سمت ملک الشعرايي به عهده داشت و با احترام و جایگاه بلندی برخوردار بود.^۹ او به گفته میر فتح علی تالپور مثنوی «فتح نامه» به پیروی از شاهنامه فردوسی نوشت و وقایع دوران دو سلسله کلهورا و تالپوران سند را در آن بیان کرد که یکی از شاه‌کارها و مرجع تاریخی و ادبی بسیار ارزشمند این دوره به شمار می‌رود. علاوه «فتح نامه» عظیم‌الدین چهار اثر فارسی با نام دیوان عظیم، سیر دل، هیر رانجا، انشاء عظیم و یک دیوان به زبان اردو به یادگار گذاشته است. او معمولاً در تمام قالب‌های شعری از جمله قصیده، غزل، مثنوی، مسمط، مسدس و رباعی سلام و مرثی طبع آزمایی کرده است. این مقال کوتاه مجال آن را ندارد که به معرفی تمام آثار پردازیم لذا فقط به معرفی کتاب مورد نظر و بعضی از ویژگی‌های مهم شعری این کتاب بسنده می‌کنیم سپس به وقایع تاریخی مهم این کتاب اشاره می‌کنیم.

معرفی فتح نامه:

این اثر تاریخی و ادبی را نویسنده آن عظیم‌الدین تتوی خودش «فتح نامه» نام گذاری کرده است؛ چنانکه:

«چو ذکر از فتوحات دارد تمام»
«خرد فتح نامه بر آن داشت نام»
«چو فتح علی کار فرما شده»
«چه خوش اسم آن با مسمی شده»^{۱۰}

سال تالیف این مثنوی را عظیم خودش ۱۱۹۹ق گفته است^{۱۱} و سبب تالیف «فتح نامه» و هدف سرایش این مثنوی را درس عبرتی برای شاهان و حاکمان آینده قلمداد کرده است.^{۱۲}

همان طور که بحر متقارب مثنی محذوف یعنی «فعولن فعولن فعولن فعل» را مناسب ترین وزن برای حماسه سرایی و مثنوی های بلند می دانند و شاهنامه فردوسی هم با همین وزن سروده شده است؛ چنان که عظیم الدین تتوی نیز در پیروی از شاهنامه این وزن را برای «فتح نامه» نیز انتخاب کرده است.

مثنوی «فتح نامه» که شامل ۴۰۹۵ بیت شعر است با حمد باری تعالی شروع می شود و بعد به ترتیب اشعاری در مناجات و نعت نبی اکرم (ص) و منقبت امام علی (ع) وائمه اطهار و مدح والی سند میر فتح علی خان تالپور، وصف شمشیر، سپر، تفنگ، سنان و اسب و ادامه مدح میر فتح علی خان و توصیف میر غلام علی خان و بیان احوال خود شاعر و سبب تألیف و تصنیف کتاب سروده است که مقدمه «فتح نامه» محسوب می شود و بعد از آن موضوع اصلی کتاب یعنی احوال و وقایع تاریخی دوره کلهورا و تالپوران را بیان کرده است که شامل پنج فصل است و شاعر آن را «مجلس» نام نهاده است.

ویژگی های مهم زبانی، ادبی و محتوایی فتح نامه:

زبان «فتح نامه» ساده و روان و سلیس است. کلمات و لغات به کار برده شده فارسی ساده هستند. البته در باب جنگ آوری ها و لشکر کشی ها، نبرد ها و شجاعت و دلآوری ها از واژه های قدیمی و مشکل و ترکیبات وصفی و تشبیهی استفاده کرده است که شایسته اشعار حماسی است. در اشعار حماسی معمولاً برای ایجاد شور و هیجان در خواننده مبالغه و اغراق های شگفت انگیز و خارق العاده به کار می گیرند. عظیم الدین به تاثیر پذیری از فردوسی از واژه ها و کلمات حماسی مانند: دیو بند، اسپندیار، بیژن و گیو، یلان، هژیران، الوند کوه، خیل و حشم، هفت خوان رستم، هژیر نبرد، گیو گرگین سهراب و غیره برای زیباتر جلوه دادن شعرش استفاده کرده است؛ چنان که:

«به یاد آورد حال بگذشتگان
کشاید به دارا و جم چشم جان^{۱۲}»

عظیم‌الدین تتوی برای بیان شجاعت و دلیری و جنگ آوری های شخصیت های «فتح نامه» از شخصیت های شاهنامه فردوسی بهره جسته است و نام قهرمانان شاهنامه مانند دارا و جم، رستم و بهرام، زال، فراسیاب، اسفندیار، بیژن و گیو، نوشیروان، سهراب، بهمن، گشتاسب، پشنگ، فرامز، گودرز، رهام یل، سام و... را جا به جا در «فتح نامه» ذکر کرده است تا به افتخارات قهرمانان و ممدوحان و شخصیت‌های تاریخی دوران خود بیفزاید؛ مثلاً جایی در «فتح نامه» می‌گوید:

«بر آمد ز جا میر ما شیر سند
کزو نامور گشت شمشیر سند
ز بلوچ با میر ذوالاقتدار
رفاقت نمودند هیژده هزار
به ملک شجاعت همه نامدار
همه رستم و هر یک اسفندیار»^{۱۴}

یکی از ویژگی‌های دیگر قابل توجه «فتح نامه» عظیم‌الدین این است که جنگجویان و مبارزان این اثر حماسی به جای استفاده از ابزار جنگی زمان خودش یعنی توپ و تفنگ و اسلحه های آتشین از سنان، زره و شمشیر و سپر و نیزه استفاده می‌کنند. این امر با زمان خودش سازگاری ندارد و سبب ایجاد خیال پردازی و داستان سرایی شده است که اهمیت تاریخی اثر را کاهش می‌دهد، مثلاً:

«زند موج چون آب شمشیر میر
عدو دست شوید ز جان ناگزیر
ز تیغش کجا می‌برد خصم سر
مگر اینکه اندازد از کف سپر
بین برق شمشیر او شعله بار
ندیدی اگر آتش آبدار
چو تیغش بخواهد گذار از زره
زره کی بگرداند آن را ز ره»^{۱۵}

نکته دیگری که در این اثر ادبی بسیار قابل اهمیت است نکات اخلاقی است. عظیم‌الدین تتوی در «فتح نامه» به جنبه‌های اخلاقی مانند

فضایل اخلاق حمیده و شرف انسان، عشق الهی و فقر، فضیلت علم و دینداری، عدالت، فضیلت علم و سخاوت و شجاعت و دلاوری و مراتب سخن پروری و سخن دانی توجه ویژه داشته است. اینجا به طور نمونه فقط به یک مورد اشاره می‌کنم که در آن در باب عدالت مهم ترین ویژگی فرمانروایان سخن گفته است:

«شها عدل کن سرلندیست این»
«پی عاقبت پیش بندیست این»
«ترا عدل نوشیروانی دهد»
«نکو نامی جاودانی دهد»
«دمی کز شهان در عدالت رود»
«به از عمر کاندر عبادت رود»
«دهد نور عدالت حیات دوام»
«سکندر به ظلمات می‌جست کام ۱۶»

علاوه بر این موضوعات مهم شاعر در مورد بزم آرای حاکمان و علاقه آنها به شعر و ادبیات و شکار و بازی های مختلف جا به جا اشاره کرده است.

محتویات کلی کتاب:

موضوع اصلی مثنوی «فتح نامه» بیان وقایع و رویدادهای جنگی دو سلسله حکومت کلهورا و تالپوران است ولی سراینده آن در آغاز مثنوی موضوعاتی مانند حمد، نعت، منقبت حضرت علی و امامان اثنی عشر، مدح فتح علی خان تالپور و شرح احوال خود شاعر و پند و اندرز برای نوجوانان نیز آورد است. به علاوه عناوین اصلی و ابواب مهم این کتاب را او خودش به پنج مجلس به شرح زیر دارد:^{۱۷}

۱. مجلس اول: در باب پند و نصیحت به نوجوانان است.
۲. مجلس دوم: در ذکر وقایع دوران عباسیان است.
۳. مجلس سوم: در مورد حکایت دلیرانه میر بچار خان است.
۴. مجلس چهارم: در بیان احوال شهید عبدالله خان است.

۵. مجلس پنجم: در مدح و ذکر فتوحات و وقایع تاریخی فتح علی خان و برادرانش است.

وقایع مهم تاریخی:

از نظر وقایع تاریخی و احوال و اضاع سیاسی مجالس دوم تا پنجم "فتح نامه" اهمیت زیادی دارند. بیان تمام جزئیات کتاب در این مقاله کوتاه مقدور نیست لذا ما فقط برای روشن سازی ارزش تاریخی کتاب و وقایع مذکور آن خلاصه ای از جزئیات را زیر عناوین اصل ذکر می کنیم. چون هدف ما فقط اشاره به وقایع تاریخی این دوره است لذا از ذکر موضوعات فرعی مانند حمد و نعت و مدح و امثال آن خود داری می کنیم که در لا به لای رخداد های تاریخی آورده است. ما اینجا خلاصه ای از وقایع و احوال تاریخی از فتح نامه را به طور خلاصه و به ترتیب ابواب ذکر می کنیم که از مجلس دوم تا مجلس پنجم کتاب مفصل بیان شده است.^{۱۸}

مجلس دوم

عظیم‌الدین در مجلس دوم سلسله عباسیان را معرفی کرده و چگونگی براندازی حکومت آنها را بیان کرده است. طبق روایت او میر بهرام خان تالپور پسر میر شهادت خان رئیس قبیله بلوچان و پدر میر صوبدار خان و میر بچار خان تالپور که پدر بزرگ میر فتح علی خان تالپور بود، مردی مومن و دیندار و مشاور و وزیر دربار نور محمد خان عباسی (۱۱۳۲ - ق ۱۱۶۷ ق) بود. بعد از وفات نور محمد خان پسر بزرگش محمد مراد خان (۱۱۶۷ ق - ۱۱۷۰ ق) که شخصی عیاش و بی لیاقت بود بر مسند پدرش نشست ولی نتوانست به مدت طولانی امور حکومت را اداره کند به همین دلیل به مشورت میر بهرام خان امرا و وزرای دربار تصمیم گرفتند که او را برکنار کنند و غلام شاه عباسی (۱۱۷۰ ق - ۱۱۸۶ ق) پسر دوم نور محمد عباسی را که مرد زیرک و دانایی بود، جای او بنشانند.

بعد از عزل، عطر خان عباسی برای دوباره به دست آوردن قدرت از شاه افغان کمک گرفت و به جنگ با غلام شاه رفت، اما به سپه سالاری میر بهرام خان تالپور با شکست مواجه شد و غلام شاه در این جنگ به شهادت رسید. بعد از شهادت غلام شاه عباسی پسرش میر سرفراز خان (۱۱۸۶ ق -

۱۱۸۹ ق) جانشین پدرش می‌شود دوران حکومت سرفراز خان به خوبی پیش می‌رفت تا این که به دلیل حسد حاسدان دربار (راجه لیکی)، میر سرفراز خان عباسی نسبت به میر بهرام خان تالپور که وفادار و مشاور دربار عباسیان بود و از بقیه درباریان قدرت و نفوذ بیشتری داشت، بدبین شد و بهرام خان و پسرش میر صوبدار خان تالپور را به قتل رساند. از اینجا بود که ساز مخالفت بین تالپوران و کلهورا زده شد. میر فتح علی خان که از کشته شدن پدر و پدر بزرگش باخبر شد با لشکری از بلوچان سند به قلعه خداآباد که پایتخت عباسیان بود حمله کرد. میر سرفراز خان از ترس جان به قلعه حیدرآباد پناه برد در این دوران راجه لیکی و جونیجوها برای نجات جانشان با میر فتح علی خان همراه شدند و کلید خزانه قلعه را به میر فتح علی خان پیشنهاد کردند اما او نپذیرفت. وقتی که میر سرفراز خان از این عمل راجه لیکی با خبر شد علت بدبین شدنش نسبت به بهرام خان تالپور که باعث و بانی آن راجه لیکی بود به گوش میر فتح علی خان رساند و انتظار داشت که لیکی هم به سزای اعمالش برسد.

میر فتح علی خان تالپور که منتظر عمویش میر بچار خان که با لشکر کمکی از طرف میر نصیر خان براهوی حاکم کلات می‌آمد بود و تنبیه راجه لیکی را به او واگذار کرد. راجه لیکی و جنیجو برای نجات جانشان خزانه دربار را بین اقوام «کوسا» و «پیروز پوتاپی» و دیگر همراهانش تقسیم کردند تا در برابر تالپوران به آن‌ها وفادار بمانند و کمک کنند. راجه لیکی از فرصت استفاده کرده و قبل از آمدن میر بچار خان میر غلام نبی (۱۱۸۹ ق - ۱۱۹۰ ق) پسر خدایار خان (نورمحمد عباسی) را دستار بست و بر مسند حکومت نشاند. غلام نبی هر چند به ظاهر با لیکی یار بود ولی به دل از او بیزار بود.

مجلس سوم

عظیم‌الدین تتوی جزئیات جنگ‌های بین تالپوران و کلهورا را بیان می‌کند. بعد از این که میر بچار خان تالپور با لشکرش به طرف شهر عمر کوت آمد میر عبدالله خان (پسر میر بچار خان) و میر فتح علی خان تالپور با برادرانش و میر سهراب خان از او استقبال کردند. میر بچار خان توقع داشت که غلام نبی خان با سران دربارش برای تسلیت گفتن به خدمت او می‌آیند ولی بر خلاف توقعش راجه لیکی و همراهانش، «اله بخش جنیجو»،

«جتوی» و «پوتاپی» نامه‌ای که نشان مَهر غلام نبی خانروی آن زده بود به جانب میر بچار خان فرستادند. در آن نامه نوشته بود که اگر قصد عصیان و جنگ داری پیش بیا. وقتی میر بچار خان این نامه را خواند تاب نیاورد و به قلعه عمر کوت حمله کرد. اقوام «کوسا» را که از قبل در قلعه بودند بیرون کرد و آنجا را به دست گرفت. راجا لیکی که از این خبر مطلع شد می-خواست بدون جنگ قلعه را از میر بچار خان بگیرد، چنان که اله بخش جنیجو را با افکار توطئه آمیزش پیش میر بچار خان فرستاد. اله بخش جنیجو تمام ماجرا و قضیه نامه را که بدون رضایت غلام نبی و با حيله لیکی نوشته شده بوده، به میر بچار خان بازگو کرد و گفت که همه درباریان از راجا لیکی و افکار توطئه آمیزش بیزار هستند و از او در خواست کرد که به خاطر عزت و احترام غلام نبی قلعه عمر کوت را رها کند. میر بچار با پذیرفتن این درخواست قلعه را خالی کرد و اله بخش جنیجو لشکرش را با تجهیزات جنگی به قلعه مستقر کرد.

میر بچار خان تا دو ماه هیچ گونه خبری از دربار دریافت نکرد و از توطئه لیکی و اله بخش جنیجو باخبر شد. لذا تصمیم گرفت آن‌ها را به سزای اعمالشان برساند. میر بچار خان با لشکرش در مقام لیاری در ناحیه شهداد پور با لشکر لیکی و غلام نبی روبرو شد. در دوران جنگ غلام نبی که آثار شکست را می‌دید قرآن برای صلح نزد میر بچار خان فرستاد. وقتی که راجه لیکی از جریان صلح باخبر شد به غلام نبی گفت که تو از همان اول از ما دلسرد بودی، قصد صلح با میر را داشتی و چون تو ما را نمی‌خواهی ما هم تو را نمی‌خواهیم. با گفتن این حرف‌ها با ضرب شمشیر غلام نبی خان را به قتل رساند و خودش به طرف ناحیه «شاگر» فرار کرد.

وقتی میر از خبر قتل غلام نبی باخبر شد بسیار ناراحت شده جسدش را در تابوتی به حیدرآباد فرستاد. وقتی خبر قتل غلام نبی در شهر منتشر می‌شود عبدالنبی عباسی از فرصت استفاده کرده برای به دست آوردن قدرت به کمک جنیجوها میر سرفراز خان و پسرش مجد خان و عطر خان و محمود خان (پسر غلام شاه) را که در قلعه حیدرآباد زندانی بودند مخفیانه به قتل می‌رساند. بعد از آن میر بچار خان به عبدالنبی (۱۹۰ق - ۱۲۱۴ق) که باز مانده عباسیان بود پیغام می‌فرستد تا حکومت را به دست بگیرد، عبدالنبی از قلعه خود با شادی و خوشحالی به طرف هاله کندی می-

آید میر و همراهانش از او استقبال می‌کنند و دستار فرمانروایی بر سرش می‌بندند با شأن و شوکت او را به قلعه خدا آباد بر مسند حکومت می‌نشانند. خود میر بچار خان وزیر دربار مقرر می‌شود و فرمان دستگیری اله بخش جنیجو و راجا لیکی را صادر می‌کند. تا مدتی در سند امنیت برقرار بود که از قضا فتنه انگیزان و حاسدان به شاه تیمور شکایت کردند که بلوچان در سند قدرت گرفتند فرمانروایان عباسی را به قتل رساندند و فردی بی‌کفایت و بی‌لیاقت را حاکم قرار دادند و امورات حکومتی را میر بچار خان به دست گرفته حتی به شاه افغان هم مالیات و خراج پرداخت نمی‌کند. از این حرفها تیمور شاه عصبانی شده از بازماندگان عباسی عزت یار خان را طلب کرد پروانه فرمانروایی سند را به او واگذار کرد خلعت و لشکر به او داد و محفوظ خان را که یکی از سپه سالاران دلیر افغانی بود همراه او فرستاد. به داودیان و نصیر خان و دیگر فرمانروایان اطراف سند گفت تا عزت یار خان را برای تصاحب ملکش کمک کنند. عزت یار خان نامه ای به میر بچار خان می‌نویسد تا با او همراهی کند عبدالنبی خان را برکنار کند ولی میر بچار قبول نکرد لشکرش را برای جنگ آماده کرد در ناحیه شکارپور با هم روبرو شدن عزت یار خان شکست خورد. حاسدان خبر شکست را به تیمور شاه رساندند که میر بچار حتی احترام فرمان شما را هم نکرد با عزت یار خان جنگید. ولی میر بچار خان فوری وکیل نزد تیمور شاه فرستاد و واقعیت را بیان کرد و زر و مالیات روان کرد در نتیجه برای مدتی آرامش در سند برقرار بود.

علاوه بر این عظیم اشعاری در مدح میر بچار خان تالپور و واقعه شهادت او که با توطئه چینی راجای «جو دپور» صورت گرفت بیان می‌کند. راجای «جو دپور» توسط قاصدان نامه‌ای به میر بچار خان می‌فرستد و می‌گوید که محرمانه است و باید در خلوت خوانده شود در این دوران قاصدان که از خاندان «راتور» بودند با خنجر به میر بچار خان حمله کردند و خودشان هم جان سالم به در نبردند از ضرب شمشیر میر همگی کشته شدند اما میر بچار خان هم جام شهادت را نوشید.»

مجلس چهارم

بعد از میر بچار خان پسرش میر عبدالله خان منسب پدرش را در دربار عباسیان به دست گرفت. از این خانواده میر فتح علی خان و میر سهراب خان به مراسم عزاداری تشریف آوردند و به آنها خبر دادند که مرگ

میر بجار خان توطئه عبدالنبی خان بوده ولی خانواده میر بجار خان باور نکردند. در این زمان عبدالنبی خان شبانه با مال و ثروت و عیال خود از ترس جان به میر نصیر خان براهویی حاکم «کلات» پناه آورد. در این هنگام شخصی به نام صادق علی خان عباسی که از نزدیکان خاندان عباسی بود و کاری به دولت و سیاست نداشت، گوشه نشین و شخصی عابد بود به درخواست میر عبدالله خان امور فرمانروایی را به دست گرفت. در این دوران عبدالنبی لشکری از کلات و هندوان «جوذپور» که همه از اقوام «راتور» و قاتل میر بجار خان بودند آماده کرد و اعلام جنگ با صادق علی خان کرد. به سرکردگی میر فتح علی خان و دیگر امرای تالپور عبدالنبی خان و فوج هندو با شکست مواجه شدند. بعد از آن عبدالنبی دوباره به کلات پناه برد و از شاه افغان (تیمور شاه) طلب کمک کرد و پیغام می فرستد که بلوچان تالپور ملک و فرمانرواییش را از او گرفتند و برای پس گرفتن ملکش به کمک او نیاز دارد. در این زمان مدد خان افغان به کمک عبدالنبی به جنگ با تالپوران آماده به طرف سند می رود ولی امیران تالپور از زیرکی و دانایی، وکلا و قرآن به جانب مدد خان برای صلح می فرستند که درگیری با لشکر شاه افغان به مصلحت نخواهد بود. در این صورت مدد خان همراهان کمکی خود از فوج نصیر خان و مردانیان و بقیه را برمی گرداند. و از بی لیاقتی های عبدالنبی آگاه می شود، اداره حکومت سند را به صادق علی خان می سپارد. بعد از این واقعه عبدالنبی از قصد دشمنی با امیران تالپور باز هم با فریب نامه ای به امیران تالپور می فرستد قرار ملاقات می گذارد در این دوران میر عبدالله خان به ملاقات با عبدالنبی می رود در همانجا افراد عبدالنبی او را به قتل می رسانند.

مجلس پنجم

وقتی که میر فتح علی خان از کشته شدن عبدالله خان با خبر شد. از خشم و غضب دیگر تاب صبر و گذشت نداشت تمام بلوچان سند را متحد کرد تا انتقام پسر عمویش و بقیه کشته شدگان خاندان را بگیرد. در این دوران سهراب خان پسر عموی میر فتح علی خان هم با لشکرش آمادگی همکاری به او را اعلام می کند. عبدالنبی خان عباسی با لشکر خود که از قوم

جتوی، جنیجو و کلیری بود در مقام هالانی با تالپوران روبرو شده و با شکست سختی مواجه شد.

جنگ هالانی یکی از جنگ‌های تاریخی و زوال حکومت کلهورا و روی به کار آمدن خاندان تالپوران بود. بعضی از سپه سالاران عبدالنبی خودشان را به میر فتح علی خان تسلیم کردند. عبدالنبی پا به فرار گذاشت و بار دیگر به میر نصیر خان براهوی پناه برد و بعد از مدتی دوباره برای گرفتن خداآباد از میر نصیر خان درخواست کمک کرد. اما او قبول نکرد. با اصرار بلاخره میر نصیر خان راضی شد. ولی مخفیانه نامه‌ای به میر فتح علی خان نوشت و او را از توطئه‌های عبدالنبی مطلع ساخت و در عوض میر فتح علی خان با دانشوران دربارش میر قیصر فقیر و دیگر وزرایش مشوره کرد. در جواب به میر نصیر خان گفت به لشکرش متذکر شود که از دریای سند عبور نکند از آنجا برگردند تا تالپوران بتوانند عبدالنبی را دستگیر کنند. طبق همین برنامه لشکر از عبدالنبی درخواست خرج و مخارج کرد عبدالنبی نتوانست که خواسته‌های لشکر را فراهم کند لذا لشکر میر نصیر خان مال و اموال عبدالنبی را به تاراج بردند او مجبور شد به طرف شمال به شاه افغان پناه ببرد. باز دوباره عبدالنبی نزد تیمور شاه از بلوچان سند شکایت می‌کند که حکومت را از او گرفتند. فتح علی خان از این موضوع با خبر شده و کیلان خود را نزد شاه افغان می‌فرستد او را از اصل قضیه آگاه کنند. شاه از بی‌لیاقتی عبدالنبی باخبر می‌شود. ملک سند را به میر فتح علی خان تالپور واگذار می‌کند و خلعت شاهی برای او می‌فرستند از اینجا بود که سلسله حکومت کلهورا در سند به پایان رسید و سلسله حکومت تالپوران شروع شد.

بعد از خاتمه مجلس پنجم عظیم‌الدین از فتوحات و تعمیرات و وفات تیمور شاه و تمهید شاهزاده شاه زمان (پسر تیمور شاه) و خلعت گرفتن میر فتح علی خان از شاهان افغان و داستان درگیری میر غلام علی خان تالپور با شیر جنگل، وفات میر فتح علی خان تالپور و مسند نشینی میر غلام علی خان تالپور گفته است. اگر بخواهیم تک تک موضوعات فتح نامه را به طور مفصل توضیح بدهیم باید کتابی دیگر جداگانه به عنوان تاریخ نوشت. در این مقاله برای اجتناب از اطناب فقط ماده تاریخ بعضی از

وقایع را که هم از لحاظ تاریخی مهم هستند و هم برای تصریح برخی از موضوعات آوردن آنها لازم است اکتفا می‌کنیم.

نتیجه‌گیری:

با توجه به مطالعات پژوهش‌های انجام شده در زمینه ارزش و جایگاه تاریخی «فتح‌نامه» بدون تردید می‌توان این اثر را یکی از شاهکارهای عظیم الدین و یک مستند تاریخی سرزمین قرار داد. در این کتاب تمام وقایع و رویدادهای اواخر دوران کلهورا و تمام دوره تالپوران از قلم یک شاهد عینی این دوره جمع آوری و قلمداد شده است. بسیاری از وقایع سیاسی و کشمکش‌های جاه‌طلبی آن دوره و زندگی امرا و افراد سرشناس و مناسبت‌های فرهنگی و اجتماعی جامعه سند بیان شده است. عظیم تتوی با منظوم کردن بسیاری از رخداد های تاریخی در صورت «فتح‌نامه» و با نوشتن آن به زبان فارسی خدمتی شایان در ترویج زبان و ادبیات فارسی و سند نموده است. او با این کارش تاریخ کلهورا و تالپوران را در دفتر تاریخ سند زنده نگه داشته است.

اگرچه ما برای آشکار کردن اهمیت و ارزش تاریخی این کتاب و در بیان چکیده‌ای از محتویات تاریخی آن سعی لازم را انجام داده ایم ولی پرداختن به تمام ابعاد کتاب امکان‌پذیر نیست البته برآنیم که این بررسی و ارزیابی برای پژوهشگران و دانشوران دیگر در شناخت بهتر و بیشتر منابع تاریخی و ادبی سند رهنمون باشد.

ارجاعات و کتابشناسی:

۱. باشنده، سهیلا (۲۰۲۲). نقد و بررسی احوال و آثار عظیم الدین تتوی [پایان‌نامه دکترا چاپ نشده]، دانشگاه کراچی
۲. _____ (۱۳۹۷). بررسی زندگی‌نامه و معرفی آثار فارسی عظیم الدین تتوی. دانش، شماره ۱۳۲ و ۱۳۳، ۸۷-۱۱۴
۳. راشدی، سید حسام الدین (۱۳۸۵). فردوسی و شاهنامه در سند، چشم انداز ارتباطات فرهنگی، شماره ۲۷، ۶۳-۶۸
۴. تمیم داری، احمد (۱۳۷۰). مقلدان شاهنامه در شبه قاره هند، نامه فرهنگ و شماره ۵ و ۶، ۱۳۰-۱۳۷

۵. کاظمی، سیدہ فلیحہ زهرا (۱۳۹۰). نگاہی به زمینه های مشترک شاهنامه فردوسی و فتح نامه عظیم تتوی. دانش (مرکز تحقیقات فارسی ایران و پاکستان)، شماره ۱۰۵، ۹۹-۱۱۲
۶. قانع تتوی، میر علی شیر (۱۱۷۴ق). مقالات الشعراء، انجمن ادبی سند، جام شورو، ص ۲۳۹.
۷. مائل تتوی، میر غلام علی (۱۹۵۹م). کلیات مائل، تصحیح محمود احمد عباسی و حبیب الله رشدی، انجمن ادبی سند، کراچی، صص ۴۲۱، ۴۲۲.
۸. نسیانی تتوی، طاهر مجد (۱۹۶۴م). تاریخ طاهری، مقدمه و حاشیه دکتر نبی بخش خان بلوچ، انجمن ادبی سند، حیدرآباد، صص ۱۴، ۱۵، ۱۶.
۹. سدا رنگانی، هرامل (۱۹۸۶م). شعرای فارسی گوی سند، انجمن ادبی سند، حیدرآباد، صص ۱۵۲، ۱۵۳.
۱۰. تتوی، مجد عظیم الدین (۱۹۶۷م). فتح نامه، تصحیح شیر مجد نظامانی، انجمن ادبی سند، حیدرآباد، ص ۱۸.
۱۱. همان، ص ۱۸.
۱۲. همان، ص ۱۸.
۱۳. همان، ص ۱.
۱۴. همان، ص ۵۴.
۱۵. همان، ص ۱۶.
۱۶. همان، ص ۲۳.
۱۷. همان، ص ۱۸.
۱۸. رک: باشندہ، سهیلا (۲۰۲۲). صص ۲۰۵-۲۰۹.